

تلفیق شعر و موسیقی

۱۳

از دکتر مهدی فروغ

باز هم درباره «غلت» - درباره «غلت» یکی دو نکته نا گفته مانده است که تذکر آن محتاج به طرح يك مقدمه میباشد. از جمله مطالبی که دانستنش بر هر مصنف موسیقی فرض است علم باحوال سازهای مختلف و کیفیت ساختمانی و صوتی آنهاست. بهمین جهت در علم موسیقی مبحث بخصوصی تحت عنوان «سازشناسی» بوجود آمده و هر هنرجویی که بخواهد در تصنیف موسیقی ذوق خود را بیازماید ملزم است آن مبحث را فرا گیرد.

دانستن دامنه و حالات مختلف صدای هر ساز برای مصنف از اینجهت لازم است که در موقع تنظیم لحنها و ترکیب نغمهها خواص هر ساز و حالات صدای آن را در نظر بگیرد تا در اجرای آهنگی که میسازد اشکال و ابهامی پیش نیاید.

برای مصنف آواز نیز علم باحوال مختلف صوت انسان و قدرت و دامنه آن کمال لزوم را دارد زیرا آواز بیک تعبیر عبارت است از بکار بردن صدا بنا بر قوانین و اصول موسیقی. بهمین جهت مطالعه در کیفیت ایجاد صوت

(Emission de la Voix) برای هر مصنف آواز کمال لزوم را دارد.
 در موسیقی مغرب دامنه صدای خوانندگان مرد تا زیرترین صدای خوانندگان
 زن متجاوز از پنج اوکتاومیشود:



اگر از صدای خوانندگان که استثنائاً بسیار بم و یا بسیار زیر است
 صرف نظر کنیم دامنه صدای خوانندگان اروپائی بطور متوسط در حدود چهار
 اوکتاومیباشد:



عموم خوانندگان عالی‌مقام تا حدود دو اوکتاورا بر اکتی میخوانند ولی
 خوانندگان نیز یافت میشوند که دامنه صدای آنها تا حدود سه اوکتاواست.
 برای اینکه نوع صدای هر خواننده مشخص باشد خوانندگان را از
 لحاظ دامنه صوت به شش دسته تقسیم کرده‌اند و هر گروه را بنام مخصوصی
 نامیده‌اند که از آنها سه تا مخصوص خوانندگان زن و سه تا مخصوص
 خوانندگان مرد است باین ترتیب: سوپرانو (Soprano) متز و سوپرانو
 (Mezzo-Sopzano) کنتراآلتو (Contralto) (این سه اصطلاح مخصوص
 خوانندگان زن است) تنور (Tenor) باریتون (Baryton) و باس (Basse) (این
 سه اصطلاح مخصوص خوانندگان مرد است).

۱- سوپرانو زیرترین صدای زنان و خردسالان است که در قدیم با کلید
 «دو» در روی خط اول خطوط حامل مشخص میگردید:

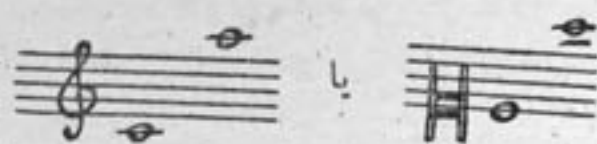


ولی فعلاً برای سهولت با همان کلید سل شناخته میشود.

کلمه سوپرانو از لحاظ لغوی با سوورانو (Sovrano) که بمعنای رئیس و پیشوا و بالا مییاشد مترادف است. در قدیم یک نوع صدای نازک مصنوعی در ایتالیا مخصوص مردان وجود داشته است که آنرا سوپرانی Soprani می-نامیدند. شاید بیفایده نباشد توضیح داده شود که در قدیم برای اینکه اطفال صدایشان بهمان لطافت و روانی دوره کودکی باقی بماند آنها را اخته می-کردند. در بعضی موارد صدای آنها در نتیجه این عمل وحشیانه نه تنها لطافت و روانی خود را حفظ میکرد بلکه هرچه رشد آنها بیشتر میشد صدایشان مطلوبتر و رساتر میگردد. اقدام باین عمل ابتداء در حوزةهای مربوط به کلیسا در شهر ناپل شروع شد و علتش این بود که در تشریفات مذهبی کلیسای کاتولیک خوانندگان دسته جمعی از کودکان و جوانان تشکیل مییابد و چون صدای اطفال بتدریج تغییر میکند و کلفت میشود اولیای کلیسا برای حفظ لطافت صدای اطفال متوسل باین عمل خلاف آدمی میشدند.

اقدام باین عمل تقریباً یک قرن پیش رسماً ممنوع گردید ولی تا اواخر سده نوزدهم میلادی از این قبیل خوانندهها در کلیساهای رم وجود داشتند. مصنفان غیر ایتالیائی از جمله هاندل و موزار نیز این نوع صدا را در اپراهای خود بکار برده اند ولی خوانندگان آنها عموماً ایتالیائی بوده اند. خوانندگان عمده اپراهای ایتالیا در مدتی قریب بدو قرن از بین این خوانندگان انتخاب میشدند. علتش این بود که ظاهر شدن هنرپیشههای زن بروی صحنه نمایش ممنوع بود و مردان نازک صدا، نقش زنان را بعهده میگرفتند.

بعضی از خوانندگان سوپرانو تا حدود سه اوکتا و براحتی میخوانند ولی دامنه صدای سوپرانو از «دو» ی زیر پنج خط حامل است تا «لا» ی بالای پنج خط (در کلید سل):



۲- متزو سوپرانو کمی بمترا سوپرانو است و دامنه آن از «لا» ی زیر پنج خط تا «فا» ی خط پنجم در کلید سل مییاشد:



۳- کنترالتو بمترین نوع صدای زن است و دامنه آن در کلید «دو»
خط دوم از سل زیر پنج خط تا «دوی» خط پنجم می باشد:



۴- تنور که در قدیم بفرانسه «تای» Taille نامیده میشد^۱ زیرترین
نوع صدای مرد است و مشتق از کلمه ایست^۲ که بمعنی نگاهداشتن و ادامه دادن
است. در قدیم در آوازهای دسته جمعی تنور مهمترین صداها محسوب میشد و
در سرتاسر قطعه ادامه مییافت و از این جهت آنرا باین نام مینامیدند. برای
این صدا در قدیم کلید «دو»ی خط چهارم بکار میرفت ولی امروزه از همان
کلید سل استفاده میشود. حد وسط دامنه صدای تنور در گام «دو»ی خط
چهارم از «دو»ی زیر پنج خط تا «لا»ی بالای پنج خط میباشد:



همانطور که تذکر دادیم در قدیم خواننده تنور رکن اصلی آوازهای
دسته جمعی بود.

چونکه اولاً نرمی و لطافت و قابلیت انعطاف آن از صداهای بم بمراتب
بیشتر است. دوم اینکه اطلاعات و کفایت خوانندگان تنور از اطفال که در
آواز دسته جمعی قسمت سوپرانورا بعهدہ داشتند بیشتر بود و زنها نیز در آن
موقع هنوز اجازه شرکت در موسیقی کلیسا را نداشتند. بعلاوه موسیقی
آنوقت، همینطور که امروزین ما معمول است، از راه گوش تعلیم داده می-

۱- نظرباینکه «تای» بمعنی قسمت میانه قامت انسان یعنی از زیرشانه تا کمر
است و صدای تنور نیز در روی یازده خط حامل تقریباً قسمت وسط را شامل میشود
از اینجهت باین نام خواننده میشده است.

۲- Teneo

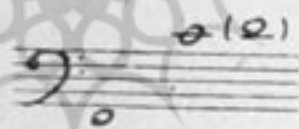
شود و برای خوانندگان خرد سال فرا گرفتن آواز از طریق گوش کار آسانی نبود. اینها همه سبب شده بود که توجه مصنفان آوازه‌های دسته جمعی کلیسا بخوانندگان تنور متوجه شود.

در آن ایام بیشتر قطعات آواز در حدود قسمت اوج صدای بم و قسمت بم صدای تنور تنظیم میشد و نوع صدا بیشتر در کار نبود یکی التوس Altus بمعنی بلند که در قدیم در مورد صدای تنور امروزی بکار میرفت^۱ و دیگری Bassus بمعنی بم.

۵- باریتون (Baryton) - این اصطلاح را در قدیم بزبان فرانسه «باس تایی» Basse Taille یعنی تنور بم مینامیدند. این صدا حد فاصل میان صدای تنور و صدای بم است و دامنه آن در کلید فا از سل خط اول تا فای بالای پنج خط است:



۶- باس بمترین نوع صدای مرد است و دامنه آن بطور عادی در کلید فا از «فا» ی زیر پنج خط تا «دو» یا «ر» ی بالای پنج خط حامل است:



بعضی از خوانندگان بم استثنائاً دامنه صدای وسیعتری دارند و از «دو» ی زیر پنج خط تا «می» در بالای پنج خط حامل میتوانند بخوانند:



اینها حد وسط دامنه صدای خوانندگان آواز اروپائی بود که باختصار بیان شد باید دانست که هر کدام از این صداها بحالت و کیفیت و اختلافات جزئی دیگری که از لحاظ دامنه و بلند و پستی بین آنها موجود است بدسته‌های

۱- همچنانکه کنترالتو که بمترین نوع صدای زن است مشتق از کلمه کمتر بمعنی «در مقابل» والتو که در قدیم بصدای تنور اطلاق میشد میباشد.

دیگری تقسیم میشوند که در اینجا مجال بحث آن نیست.

اما در موسیقی ایران تا کنون دو نوع صدا معمول بوده است یکی صدای مرد و یکی صدای زن که در روی ساز در مایه‌های «چپ کوك» و «راست کوك» مشخص میشود.

دیگر اینکه مایه صدای خوانندگان ما عموماً از حدود يك او کتاو یا کمی بیشتر تجاوز نمیکند باین معنی که اگر خواننده ای در مایه مناسب با صدای خود آوازی از قبیل دشتی و ابو عطا و افشاری را بخواند معمولاً عشاق و حجاز و عراق را که بترتیب تکه‌های اختصاصی هر يك از آنهاست میتواند براحتی اجرا کند. چون حد اکثر وسعت صدا در هر يك از این آوازه‌ها از حدود يك او کتاو یا کمی بیشتر تجاوز نمیکند. (از «ر» تا «ر»ی او کتاو بعد و استثنائاً تا «می» در آن او کتاو) اما بین خوانندگان امروز ما کمتر کسی را میتوان یافت که يك دستگاه کامل را با تمام تکه‌ها و گوشه‌های آن در صدای مخصوص خود بتواند اجرا کند. (مثلاً در دستگاه ماهور از «لا» تا «لا»ی سوم که مجموعاً میشود دو او کتاو) هیچکس نیست که بتواند فی‌المثل خود آواز ماهور را در سه مایه بم و زیر و حد بطور مطبوع بخواند مگر در يك مورد فوق‌العاده استثنائی. این نقص در مورد خوانندگان زن بیشتر مشهود است.

علت عمده وجود این محدودیت در دامنه صدا که حقیقتاً نقص بزرگی باید بشمار آید نبودن اصول علمی دقیق و صحیحی برای تعلیم آواز. و مخصوصاً مراحل اول آن که مربوط با ایجاد صوت است. میباید. اغلب خوانندگان ما آواز را از یکدیگر تقلید میکنند و عمده معدودی هستند که در خدمت استاد تعلیم گرفته اند. از بین آنها هم هیچکدام کیفیت ایجاد صوت و فنون و تمپیدهایی که برای مطبوع کردن صدا میتوان بکاربرد و ترتیب ادات تلفظ و رعایت تأکید و تکیه و انعطاف و وقف و وصل و غیره را فراموش میکنند. اختیار صدای خوانندگان ما عموماً دست خودشان نیست مخصوصاً در موقع غلت دادن. عضلات حنجره آنها چنان ورزیده نیست که بتوانند جریان هوا را از پرده‌های صوتی باختیار خود در آورند و کیفیت صدا را بمیل خود و بمقتضای بیان مطلب قوی و خفیف کنند و غلت را روی حساب و قاعده در موقع مناسب

و منطقی بگذارند. از این جهت غلتها عموماً خشک و بی حالت و بی منطق است. اغلب شنیده میشود که خوانندگان غلتهای يك شكل و يکنواختی را مدتی طولانی بطور متوالی ادامه میدهند. برای این نوع غلت هیچ مفهوم و معنای هنری نمیتوان فرض کرد و میتوان گفت خواننده امتحان نفس میدهد. بنابراین خواننده و مصنف موسیقی باید هر دو به کیفیت ایجاد صوت آگاه باشد و بوضع حنجره و پرده‌های صوتی در موقم ایجاد صوت آشنا و از مباحث مربوط بارتعاش صوت آگاه باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی